

کار خانه ! شغل یا وظیفه؟

لاله حسین پور

ساعت پنج صبح است، زن پیش از آن چند بار با پلک های نیمه بسته دگمه ساعت را زده تا صفحه آن روشن شود، که ببیند ساعت چند است. آهسته، قبل از اینکه صدای زنگ دربیاید، دگمه را قطع می کند و پاپرچین به دست شوئی می رود. همسرش هنوز خواب است. با سرعت چادر چیت را روی سر می اندازد و از در بیرون می زند، فقط دو نفر در صف ناتوایی ایستاده اند. قبلا برای اینکه ساعت هفت بر سر کار حاضر باشد، ساعت شش برمی خاست. اما می بایست همه کارها را به سرعت برق انجام می داد. خودش را آماده می کرد، بچه ها را از خواب بیدار می کرد که بیدار نمی شدند، صبحانه را آماده می کرد، دوباره بچه ها را بیدار می کرد، باز هم بیدار نمی شدند. پاهای یکی را ماساژ می داد. دست های آن یکی را نوازش می کرد. جوراب هایشان را همان طور که خواب بودند به پایشان می کرد. دوباره به آشپزخانه، تا ساندویچ را برای ساعت تنفس مدرسه درست کند، به اتاق خواب تا بسرعت لباس بپوشد، دوباره بچه ها را بیدار کند، آشپزخانه، دست شوئی، بچه ها، کیف مدرسه، آب برای مدرسه، ساعت را نگاه می کند، وقت تمام است. اما حالا ساعت پنج از خواب بیدار می شود، چون نمی خواهد مثل ماشین کوکی در خانه بچرخد. می خواهد فقط پنج دقیقه بنشیند تا یک استکان چای داغ را با آرامش بنوشد، نه سرپا و با دهان سوخته.

داستانی تکراری، برای تمام زن هایی که در بیرون از خانه نیز کار می کنند. در مینی بوس نیز، زن به غذایی که شب گذشته با عجله و با خستگی هرچه تمامتر درست کرده و در یخچال گذاشته، فکر میکند و به اینکه اگر بچه ها از مدرسه برگردند، تا او به خانه برسد، گرسنه می مانند. و اینکه یادش رفته است طی یادداشتی به همسرش خبر دهد که اگر زودتر به خانه آمد، غذا را گرم کند، که پنجره آشپزخانه را باز کند تا بوی غذا به داخل اتاق ها نرود، که.... در مسیر کار به خانه نیز همین فکرها با تمام جزئیاتش او را مشغول می کند.

وضعیت زنی که بیرون از خانه کار نمی کند، نیز از این بهتر نیست. کار در خانه آن چنان همه جانبه و پر حجم است که هیچ گاه پایان یافتنی نیست. کاری تکراری، مداوم و گسترده. جوامع متمدن با تقسیم رشته ای کار و گماردن افراد متخصص بر سر آن، هم چنین محدود کردن زمان آن و پرداختن حق الزحمه جهت انجام آن ها، وظائف موجود در جامعه را مقبول و ادامه کاری را تضمین کرده اند. مرخصی، اضافه حقوق، پاداش و تشویق، همه این ها برای پیش برد این وظائف و از پا نیافتادن در انجام آنهاست. در خانه اما، تمام رشته های کاری در هم تنیده شده و همواره بازتولید می شود.

از نظافت و رفت و روب گرفته که خود دنیایی از کارهای مختلف را شامل می شود تا آشپزی، بچه داری، خرید، حساب و کتاب مالی، بایگانی پرونده های اداری، انبارداری، پزشکی در حد مداوای اولیه، پرستاری، تعلیم و تربیت در تمام جزئیات، آموزش و تدریس، مهمان داری گاه در مقیاس یک هتل کوچک، کارهای اداری، ایجاد نظم و ترتیب در اتاق ها، کمدها و در سراسر خانه، لباس شوئی، اتوزدن و جابجا کردن، روابط عمومی و تنظیم رابطه با در و همسایه و فامیل.....

به لیست این وظائف می توان هم چنان افزود. کارهای موجود در خانه به لحاظ رشته های مختلف و متنوع بودن آن، قابل مقایسه با وظائف موجود در یک جامعه است. تنها فرق آن این است که تمامی کارهای خانه را زن آن خانه انجام می دهد. آمارها نشان می دهند که 80 تا 90 و گاهی 100 درصد کارهای گسترده و متنوع یک خانه به عهده زن خانه است و مرد در خوش بینانه ترین حالت

تنها 10 تا 20 درصد کارها را به عهده می‌گیرد. این در حالیست که در بسیاری موارد زن در بیرون از خانه نیز کار می‌کند. اما تنها جنبه‌ای که در پیش برد کارخانه در نظر گرفته نمی‌شود، همین نکته "کوچک" است که زن به علاوه کار در بیرون، هم چنان مسئولیت تمامی کارهای خانه از جزئیات تا کلیات را به عهده دارد.

البته مواردی است که مرد با کمال میل پیش برد کاری را به عهده می‌گیرد. در تحقیقاتی که به عمل آمده، مردها معمولاً مسئولیت خرید خانه را به عهده می‌گیرند. اما اشتباه نشود! در اینجا نیز از احساس مسئولیت خبری نیست. این زن است که مسئولیت واقعی را بر دوش می‌کشد. او باید کمبود مواد مورد نیاز را یادداشت کند و خواسته‌های ویژه فرزندانش را که مرد حاضر به خرید آن‌ها نیست، تهیه نماید. به عهده گرفتن خرید از جانب مرد دلیل بارز دیگری نیز دارد. عدم اعتماد کافی به زن، جهت سپردن وجوه مورد نیاز به او و مانع شدن از بیرون رفتن غیرضروری زن!

برخی از مردان، بویژه روشن‌فکران تلاش کرده‌اند تا با هم‌یاری در کارخانه، باری از دوش زن بردارند. اما باید توجه کرد که آن‌ها با مهربانی و از خود گذشتگی سعی می‌کنند باری از دوش زن بردارند. مرد کارخانه را از آن خود نمی‌داند، بلکه در این رابطه به زن کمک و هم‌یاری می‌کند و از آن مغرور است. از نظر مرد، کار خانگی ارزش انجام دادن ندارد. برای انجام آن در واقع "هنری" به کار نمی‌رود و خلاقیتی نمی‌طلبد. کار خانگی ظاهراً کار سختی نیست و در مقایسه با شغلی که مرد دارد، چیزی به حساب نمی‌آید. از همه مهم‌تر، مزدی به آن تعلق نمی‌گیرد. سودی در بر ندارد و جز اتلاف وقت نقش دیگری ندارد. بنابراین انجام کارخانه ارزشی تولید نمی‌کند و چون زن نقش فرودست در خانه را دارد، لازم است که این وظائف "بی‌ارزش" را انجام دهد. و وقتی مرد خسته از کار به خانه برمی‌گردد، زن که "بی‌کار" است موظف است او را تیمار کرده و با روی خوش پذیرایی از او را به عهده گیرد. بارها پیش آمده است که مردی در غیبت زن مجبور به خانه داری شده است و سپس فریادش به آسمان رسیده که "چرا این کارها در خانه تمامی ندارد....".

قابل تأکید است که برخی مردان در این شمار نمی‌گنجند و در طول سالیان دراز و با مبارزات مداوم زن، برخی از روحیات و عادات مردسالارانه را در خود از بین برده و یا ناچاراً قدرت خودنمایی ندارند. اما بحث بر روی اکثریت مردانی است که نه تنها در جامعه ایران، بلکه در تمام دنیا در خانه‌ها حکومت می‌کنند و از همسر خود به مثابه یک کارگر شبانه‌روزی و بی‌جیره و مواجب سوء استفاده کرده و خشونت‌ها با ابعاد گسترده به نام کار خانگی را بر او تحمیل می‌کنند.

در اینجا می‌توان اشاره کرد که بسیاری از زنان خود نیز در اعمال چنین ستمی در خانه‌ها سهیم هستند. از میان برداشتن این اجحاف بارز، مبارزه‌ای جانانه، آگاهانه، حاد و مداوم از جانب زنان و هم‌چنین مردان می‌طلبد. از این زاویه می‌توان به همه‌جانبه بودن مبارزات زنان در اجتماع و در زندگی خصوصی پی برد. مبارزات برحق زنان تنها با ایجاد حقوق برابر زن و مرد در اجتماع به بار نمی‌نشیند، بلکه این مبارزه باید همچنان ادامه یابد تا با برابری واقعی بین زن و مرد در خصوصی‌ترین روابط خانوادگی و در جزئی‌ترین رابطه زن و مرد و در کنه افکار و عادات و تربیت مردان و به ویژه خود زنان تحقق یابد.

به کار خانگی می‌توان از دو زاویه برخورد کرد:

1- همانطور که در بالا آمد، کارخانه به عنوان یک تقسیم‌کار "اجباری" به زنان تعلق پیدا کرده و بررسی آن در واقع، بررسی موقعیت زنان در خانه است. از این زاویه، وضعیت و جایگاه یک زن در خانه، نه تنها خصوصی، شخصی و منفرد به شمار نمی‌آید، بلکه عمیقاً اجتماعی و عملاً سیاسی محسوب می‌شود. مبارزه فمینیستی در این حوزه نه تنها با مردان، بلکه در وهله اول با زنان می‌باید به پیش برده شود. چنین تقسیم‌کاری در خانه، در طول تاریخ به بسیاری از زنان تحمیل و تفهیم شده است که می‌بایست نقش پشت‌جبهه را بازی کنند و تنها با مهارت در این نقش است که اهمیت و جایگاه خود را باز می‌یابند. واقعیت این است که بسیاری از زنان حاضر به سپردن چنین نقشی به مردان نیستند و از اینکه آشپزی، خانه‌داری و نظم و ترتیب آنان تمجید می‌شود، بسیار راضی هستند. آنها

نسبت به موقعیت خود افتخار کرده و مردان را عاجز از انجام چنین وظائفی می بینند. چنین دیدگاهی، تقسیم کار مردسالارانه و ناعادلانه در خانه را بشدت تقویت کرده و نه تنها خود نقش فرودست خود در خانه را تثبیت می کنند، بلکه فرزندان خود را نیز با همین تبعیض بار آورده و به جامعه تحویل می دهند.

مسئله عدم آگاهی به نابرابری جنسی در خانه از جانب زنان، خود ریشه در نابرابری جنسی در کل جامعه در ابعاد تاریخ دارد و مسلمانان چنین ناآگاهی از جانب مردان در کلیت خود، به علت در دست داشتن موقعیت برتر در جامعه و در خانه و برای از دست ندادن این قدرت، تقویت شده و می شود. اما این انتظار بی جایی است که تنها از مردان بخواهیم تا خود قدرت خود را تفویض کنند. طبیعتاً این زنان هستند که باید گام و گام های اول را برای تغییر چنین نابرابری بردارند. کارخانه یکی از جلوه های بارز این نابرابری در مقیاس زندگی خصوصی است که بدون واسطه و مستقیماً به نقش زن در اجتماع مربوط می شود. چه زن هایی که همراه با کارخانه، در بیرون از خانه نیز کار می کنند و چه زن هایی که شبانه روز به کارخانه می پردازند، بطور مداوم زیر بار این نابرابری خرد می شوند.

2- از زاویه دیگر می بایست کار خانگی را به مثابه یک شغل و کار اجتماعی بررسی کرد. واضح است که پیش برد وظایف موجود در خانه، به عنوان پشت جبهه در تأمین و آماده سازی نیروی کار در جامعه محسوب می شود. بدون چنین پشت جبهه ای، اساساً نمی توان از جبهه ای نیرومند برخوردار بود. مشاغل اجتماعی بدون کارمزد، بدون مرخصی، بدون استراحت، بدون تشویق و پاداش، بدون ارتقاء و غیره، غیر قابل تصور است و هم چنین غیر قابل تداوم. (مسلمانان چنین شرایطی به طور عام بررسی می شود، وگرنه بر کسی پوشیده نیست که در حال حاضر تحت حاکمیت جمهوری اسلامی چه بر سر همین مشاغل اجتماعی از جمله در کارخانه ها و کارگاه ها می آید و چگونه دستمزدها خورده شده و پاداش و ارتقاء و مرخصی و غیره را باید به خواب دید و هم چنین در عرصه جهانی تحت حاکمیت سرمایه بین المللی چگونه هزار هزار کارگر و کارمند یک شبه از کار بی کار شده و گاه آینده ای نامعلوم در انتظارشان است.)

اما اگر به طور عام و در مقیاس اجتماعی نگاه کنیم، کار در خارج از خانه ارزش ویژه خود را دارد و کارمزد به آن تعلق می گیرد. اما کار خانگی، حتی اگر کارگری برای پیش برد آن گمارده شود، شخصی و خصوصی محسوب شده و کار رسمی به شمار نمی آید. بر کار خانگی بیمه تعلق نمی گیرد، مرخصی ندارد و بهبود پیدا نمی کند. کار کارگر خانگی در خانه ها که از دوران برده داری مرسوم شد و در دوران فنودالیت و سرمایه داری نیز به اشکال جدیدی ادامه یافت، هم چنان در بسیاری از خانواده ها مرسوم است. برخی خانواده ها که از درآمد نسبتاً خوبی برخوردارند، گاه تمام وقت و اساساً نیمه وقت از کار چنین کارگرانی بهره مند می شوند. اما با تمام اینها، این کارگران از حداقل دستمزد برخوردار می شوند که آن نیز از درآمد شخصی آن خانواده پرداخت می گردد، بدون آنکه از هیچ گونه حق و حقوقی از جمله بازنشستگی، بیمه و تأمین درآمد در دوران بیماری و غیره برخوردار شوند. و در خانواده های با درآمد پایین، این زن است که کارخانه را به عهده می گیرد و حتی همان دستمزد ناچیز کارگر خانگی را نیز دریافت نمی کند.

اما نکته قابل تأمل در احتساب کار خانگی به عنوان یک شغل اجتماعی و پرداخت دستمزد و سایر حقوق کار به آن، این است که دیگر کارخانه در انحصار زنان باقی نخواهد ماند. اعطای حق و حقوق به کار خانگی، کم کم آن را از نقش یک تقسیم کار جنسی، خصوصی و شخصی بدر خواهد آورد و به آن جلوه اجتماعی خواهد داد. قطعاً چنین جلوه ای به آسانی ظهور نخواهد کرد و مثل سایر تقسیم کارهای جنسی در جامعه به یک مبارزه حاد و پرتداوم از جانب زنان و مردان حامی آن نیاز خواهد داشت. اما برای آغاز این مبارزه، قدم اول این است که کار خانگی را نه به مثابه یک وظیفه زنانه، بلکه به عنوان یک شغل تلقی کرده و به آن حق و حقوق رسمی یک شغل اجتماعی را اعطاء کنیم.

